

مروری انتقادی بر نظریه پول، دولت و بازار

محسن رضایی میرقائد*

چکیده

پول حامل ارزش است و در اثر یک فرایند دوطرفه تولید می‌شود که متأثر از بازار و دولت می‌باشد. از آنجایی که پول حامل ارزش است، کلیه متغیرهای اقتصادی که دارای ارزش هستند، می‌توانند توسط پول حمل یا نمایندگی شوند. از سوی دیگر، دولت بدون بازار و بازار بدون دولت نمی‌توانند پول خلق کنند. بنابراین پول پدیده‌ای ناشی از دو عامل است. این مقاله پس از مرور مطالعات پیشین بر روی ماهیت، نقش و کارکرد پول، به بررسی نظرات پولی موجود و ناتوانی آن‌ها در تفسیر تغییرات گسترده در انواع پول‌های به‌کاررفته در تاریخ اقتصادی می‌پردازد. مشاهده می‌شود که هم در تعریف، هم در شکل، هم در نقش و هم در منشأ پیدایش پول در اقتصاد، وحدت نظری نبوده است. سپس به ارائه یک نظریه ترکیبی با کمک نظریه ارزش برای پاسخ به این تغییرات پولی می‌پردازد که قادر است پراکندگی مباحث مربوط به پول را کاهش دهد و با معرفی یک مفهوم مرکزی برای پول، تعریف، نقش و منشأ آن را با وضوح بیشتری توضیح دهد. دو دیدگاه در خلق پول که یکی آن را ناشی از بازار و دیگری خلق پول را ناشی از دولت می‌داند در نظریه جدید ترکیب شده‌اند. پول خود را به سه صورت در اقتصاد نشان می‌دهد. یکی پول دولتی است که بانک مرکزی تولید می‌کند و دیگری پول درون‌زا یا پول بانکی است که بازارهای پولی آن را ایجاد می‌کنند و سومی پول مبادله‌ای یا پول محاسباتی است که در بازارهای حقیقی جریان می‌یابد که هرکدام از اشکال آن دارای ماهیت و کارکرد جداگانه‌ای هستند.

واژه‌های کلیدی: کالای پولی، نیازهای اقتصادی، انواع پول، ابزار پولی، دولت و بازار

طبقه‌بندی JEL: E42, E51, E52

مقدمه

به دلیل تغییراتی که در پول‌های مدرن پیش آمده است، مجدداً ماهیت و نقش پول مورد توجه قرار گرفته است؛ حتی برخی آن را زیر سؤال می‌برند (معینی، ۲۰۰۱). «هرچه که پول در شکل اطلاعات کد شده دیجیتالی افزایش یابد، این اعتقاد افزایش پیدا می‌کند که شاید پول نباشد و شاید هرگز به‌عنوان چیزی که وسیله مبادله باشد هم نبوده است». بنابراین دوباره فلسفه و نقش پول پس از سال‌ها مجدداً مطرح شده است. اینگام^۱ (۲۰۰۵) در این رابطه می‌گوید: «پس از سال‌های بسیاری که سؤال در مورد ماهیت پول مطرح نبود، دوباره مورد توجه قرار گرفته است».

در طول تاریخ ماهیت پول مورد بحث بوده ولی هنوز ابهاماتی در این رابطه وجود دارد. در واقع، شاید یکی از جعبه‌های سیاهی که در اقتصاد هنوز باز نشده مقوله پول است. هر کسی از یک بعد به آن نگاه کرده و تعریفی برای آن ارائه داده است. به گفته تورنتن^۲ (۲۰۰۰)، پول بستگی به مبادله دارد. برخی آن را برای پرداخت جریمه و برخی دیگر آن را وسیله مبادله می‌دانند (گودهارت^۳، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۸). آیا پول یک عامل تولید یا ابزار مبادله است یا آن‌چنان‌که کالدور^۴ (۱۹۸۲) معتقد است، پول چیزی جز باقی‌مانده فرایند اقتصاد نیست. منگر^۵ (۱۸۷۱) آن را

-
1. Ingham
 2. Thornton
 3. Goodhart
 4. Kaldor
 5. Menger

وسیله پرداخت می‌دانست و میزس^۱ (۱۹۵۳) بر وسیله مبادله‌ای آن تأکید دارد. برخی دیگر مثل نیل^۲ (۱۹۷۶) و اینگام (۲۰۰۰) معتقدند که پول دارای ماهیت اجتماعی است.

از طرف دیگر، پول هیچ‌گاه در یک شکل معین یا کالای معینی در طول تاریخ ثابت نمانده است و از پست‌ترین اجناس (نمک) تا عالی‌ترین اشیا (سکه‌های طلا) را به خود اختصاص داده است. تأثیر پول در اقتصاد نیز مورد توافق نبوده است. اقتصاددانان کلاسیک آن را موجودی خنثی و صرفاً یک ابزار مبادله می‌دانند، درحالی‌که عده دیگری مثل فریدمن آن را یک عامل مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی قلمداد می‌کنند که کوچک‌ترین تغییر پیش‌بینی نشده یا خارج از قاعده پولی در آن، تمامی متغیرهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فریدمن معتقد بود که پول حتی در درازمدت هم خنثی نیست (وودفورد،^۳ ۱۹۹۹).

درباره منشأ پول نیز نظرات اقتصاددانان متفاوت است. برخی معتقدند که پول را بازار و مبادله پول به وجود آورده است، ولی عده‌ای دیگر این مسئله را رد می‌کنند و معتقد هستند که دولت، پول را خلق می‌کند. اگر بازار پول را خلق کرده است، آنگاه وظیفه پول تنها ابزار سنجش و مبادله است و خاصیت دیگری ندارد ولی اگر دولت خالق پول باشد، پول می‌تواند وسیله پرداخت و انتقال قدرت خرید در طی زمان و مکان باشد. در اینکه پول برای رفع نیازهای اقتصاد مبادله‌ای مورد استفاده بشر قرار گرفته است، جای شکی نیست، ولی در علل اولیه و پیدایش آن جای شک همچنان باقی است. آیا ابتدا دولت پول را برای مالیات‌گیری خلق کرده و بعد از آن در مبادلات مورد استفاده قرار گرفته است که در این صورت پول مقدم بر مبادله و بازار بوده است (اینگام، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۴). بنابراین هم در تعریف، هم در شکل، هم در نقش و هم در منشأ پیدایش پول در اقتصاد، وحدت نظری نبوده است.

با توجه به موارد بالا پرسش اصلی مورد بررسی در پژوهش حاضر این است

1. Mises
2. Neale
3. Woodford

که «آیا با توجه به دیدگاه‌های متفاوت می‌توان به یک مفهوم واحدی رسید که بتواند نظرات مختلف فوق را به وحدت برساند؟»

در پاسخ به این پرسش، این مقاله تلاش می‌کند که پراکندگی مباحث مربوط به پول را کاهش دهد و با معرفی یک مفهوم مرکزی برای پول، تعریف، نقش و منشأ آن را با وضوح بیشتری توضیح دهد. ابتدا به دیدگاه‌های فلزگرایان و چارتالیست‌ها می‌پردازد و سپس به ماهیت چندگانگی پول پرداخته می‌شود و سپس به انواع و ماهیت مختلف پول و در آخر هم به کارکردهای پول پرداخته شده است.

۱. دولت، بازار و پول

دو دیدگاه درباره علل و منشأ پیدایش و ماهیت پول وجود دارد. دیدگاه اول که پول را نتیجه رفتار عقلایی افراد در مبادلات می‌داند؛ بنابراین پول وسیله مبادله برای کاهش هزینه‌های مبادله است.

گروه دوم پول را وسیله پرداخت می‌داند. پرداخت مالیات و بدهی توسط پول صورت می‌گیرد.

گروه اول نقش بازار در پیدایش پول را مؤثر می‌داند. درحقیقت مبادله و بازار بوده است که پول را خلق کرده است. به گفته تورنتن^۱ (۲۰۰۰)، پول بستگی به مبادله دارد و به اعتقاد فون میس (۱۹۵۳) پول یک پدیده بازار است.

این گروه را فلزگرایان هم می‌گویند و معتقد هستند که پول باید ارزش ذاتی داشته باشد. آن‌ها معتقدند که بشر به مرور زمان در اثر مبادلات تهاتری به اهمیت وسیله‌ای برای کاهش هزینه‌های مبادله پی برد، ولی برای اینکه خود آن وسیله بتواند مبادله را انجام دهد، باید دارای ارزش ذاتی باشد. در همین راستا بود که بشر به فلزهای گران‌قیمت روی آورد. گودهارت^۲ (۱۹۹۸) فلزگرایان بر پول به‌عنوان وسیله مبادله متمرکز هستند و ارزش پول را از ویژگی ذاتی کالایی که آن را پشتیبانی می‌کند، می‌دانند.

1. Thornton

2. Goodhart

گروه دوم را چارتالیست می‌دانند که معتقدند پول مخلوق دولت است. آن‌ها پول را واحد ارزش و وسیله پرداخت به حساب می‌آورند و معتقدند که اساس انتشار پول وسیله‌ای برای پرداخت بدهی و مالیات است. لرنر^۱ (۱۹۴۷)، قدرت‌های قانونی و حاکم دولتی پول را به‌عنوان مخلوق دولت ارائه می‌کند یا آنکه ناپ که بیشتر اندیشه چارتالیسم را به او نسبت می‌دهند، معتقد است که وسایل پرداخت اعم از سکه یا اسنادی که ویژگی‌های پول را در خود دارند، آن‌ها وسایل پرداخت یا بلیط‌هایی هستند که به‌عنوان وسیله پرداخت مورد استفاده قرار می‌گیرند. شاید کلمه لاتین Charta بتواند ماهیت پول یا پرداختی‌ها را بیان کند و می‌توانیم یک مورد جدید با مفهومی قابل فهم ایجاد کنیم، ابزارهای پرداختی ما دارای این نشانه یا Chartal هستند. امروزه مردم متمدن می‌توانند پرداخت‌ها را فقط با بلیط یا قطعات Chartal انجام دهند.

این دو دیدگاه ماهیت‌ها و وظایف مختلفی را برای پول قائل هستند و آن‌ها را مقابل هم می‌دانند. در حالی که در عمل نشان داده می‌شود که هرچند دولت‌ها پول را منتشر می‌کنند، ولی بازار است که قیمت پول را تعیین می‌کند. از طرف دیگر ارزش پول اگر در بازار تعیین شود، دولت (بانک مرکزی) قادر است آن را تغییر دهد. بنابراین، هم بازار و هم دولت در خلق پول مؤثر هستند. از طرف دیگر پول هم وسیله مبادله است و هم برای پرداخت از آن استفاده می‌کنند. اگر قبول کنیم که پول یک کالای غیرمادی است که هم‌زمان می‌تواند چند نقش را بر عهده بگیرد، آنگاه احتمالاً این اختلافات رفع می‌شود. چرا نباید تصور کرد که پول بزار یا کالایی است که می‌تواند ماهیت‌های مختلف و وظایف مختلفی را بر عهده بگیرد. یعنی پول هم ابزار پرداخت و هم ابزار مبادله باشد. یا هم ذخیره ارزش و هم انتقال‌دهنده قدرت خرید باشد؟

1. Lerner

۲. نقش و ماهیت پول

۲-۱. نقش چندگانه پول

پول یک ماهیت واحد ندارد، چنان‌که نیل (۱۹۷۶) معتقد است، بهتر است به جای پول به پول‌ها فکر کنیم، زیرا که روابط اجتماعی در جامعه بسیار تفاوت می‌کند. یا آنکه جان استوارت میل (۱۸۸۵) با قبول وظایف چندگانه پول می‌گوید. همان‌طور که پروفیسور جونز بیان می‌کند پول سه خدمت متمایز را ارائه می‌دهد و به صورت ذهنی قابل تفکیک هستند:

۱. واحد شمارش؛

۲ وسیله مبادله؛

۳. ارزش استاندارد.

یا آنکه فون میس به جنبه مهمی از پول توجه دارد. پول دارای یک ویژگی دوگانه است: به این مفهوم که یک جنبه آن فردی است و جنبه دیگر آن به صورت یک سیستم برای پرداخت به صورت کلی است. هرچند که پرفیسور جونز ثابت کرده است، وظیفه پول وسیله مبادله است و می‌گوید که پول یک ویژگی دوگانه دارد یا آنکه کینز^۱ از عبارت خود پول و پول حسابداری استفاده می‌کند یا جان استوارت میل^۲ معتقد به ماهیت دوگانه پول است که پول یا مواد تشکیل‌دهنده آن در بریتانیا و بیشتر کشورهای دیگر یک کالای خارجی است (استوارت میل، ۱۸۵۵). پس می‌توان گفت که پول می‌تواند با ماهیت‌های متفاوت یا با کارکردهای متفاوتی وجود داشته باشد. در این صورت باید پول یک ویژگی خاصی داشته باشد که به آن چنین خاصیتی را بدهد. به نظر می‌رسد که مفهوم مشترکی بین همه این تعاریف، ماهیت‌ها و کارکردها وجود داشته باشد. آیا چنین مسئله‌ای ضرورت دارد و می‌تواند وجود داشته باشد؟

1. Keynes

2. John Stewart Mill

۲-۲. ماهیت و نقش پول

به نظر می‌رسد که ماهیت پول به انتقال دادن ارزش برمی‌گردد (رضایی، ۲۰۱۴)، یعنی پول کالایی است که ارزش را حمل می‌کند. برخی بر این نظریه صحه گذاشتند، ولی دقیقاً معلوم نیست که چه کسی نخستین بار این مسئله را مطرح کرده است. شاید قدیمی‌تر و روشن‌تر از سیمل^۱ (۱۹۷۸) کسی نتوانسته ارزش مجردی که توسط پول حمل می‌شود را بیان کرده باشد. سیمل معتقد است که پول دارای ارزش است؛ زیرا ارزش اشیاء بدون وجود آن‌ها است. او در جایی از کلمه حمل ارزش اقتصادی توسط پول نام می‌برد. پول ماده‌ای است که ارزش اقتصادی انتزاعی را با خود حمل می‌کند. پول ماده‌ای است که مظهر ارزش انتزاعی است؛ اما برای ما فقط در حالتی که نماد یا حاوی ارزش‌هایی که با خود دارد، معنی پیدا می‌کند. همچنین در جایی دیگر می‌گوید: «پول یک نماد مستقلی از ارزش انتزاعی است... پول تحقق مشخص آن چیزی است که مشترک در اشیاء اقتصادی است». همان‌طور که پیداست سیمل، پول را حامل ارزش مجرد اقتصادی می‌بیند. ولی می‌بینیم در همان زمان منگر در کتاب *اصول اقتصاد سیاسی* می‌گوید که: «فرضیه پول به‌عنوان انتقال ارزش از زمان حال به زمان آینده باید به‌عنوان یک اشتباه تلقی شود». استدلال منگر در این رابطه ضعیف است، زیرا که او می‌گوید اگرچه پول فلزی، به دلیل ماندگاری دوام و هزینه پایین نگهداری، بی‌شک برای این هدف مناسب است، با این وجود روشن است که هنوز کالاهای دیگری برای آن مناسب است. آیا اینکه ممکن است اشیاء دیگری هم بتوانند حامل ارزش باشند دلیل بر این است که پول حامل ارزش نیست؟ از آنجایی که این ادعا را نتوانسته به اثبات برساند، می‌توانیم نتیجه بگیریم که این استدلال برای رد نظریه حامل بودن ارزش ضعیف است. به پیروی از منگر، فون میزس هرچند این ماهیت را جزیی از وسیله مبادله‌ای بودن پول می‌داند به دیدگاه نیز اشاره می‌کند (فون میزس، ۱۸۸۵). به عبارت دیگر «امروزه پول هنوز نقش وسیله انتقال ارزش را دارد». در پی نوشت همین صفحه نیز اشاره شده است که «کینز به‌طور اخص تأکید را روی کارکرد

1. Simmel

نقش پول به عنوان انتقال دهنده ارزش بین محلی قرار داده است». فون میس نیز غیرمستقیم این فرضیه را تأیید می کند، زیرا می گوید: «این خاصیت پول نیز جزئی از همان وسیله مبادله بودن آن است». درحالی که اگر پول حامل ارزش نباشد، نمی تواند وسیله مبادله باشد. یا اینگام (۲۰۰۵) به ارزش مجرد پول و دوگانگی آن در انتقال قدرت خرید پول در طی زمان و مکان اشاره کرده است: «اینجا طبیعت پول دو قسم است: وسیله اندازه گیری و ذخیره ارزش انتزاعی قدرت خرید عمومی و انتقال آن در زمان و مکان». ولی اینگام به جای ارزش از قدرت خرید استفاده کرده است. درحالی که اگر پول حامل ارزش نباشد، نمی تواند حامل قدرت خرید باشد. از طرف دیگر، قدرت خرید بدون مفهوم ارزش در همه کالاهای اقتصادی وجود دارد.

شاید علت آنکه حامل ارزش بودن پول، مورد قبول برخی از اندیشمندان قرار نگرفته است، به این دلیل باشد که کیفیت و چگونگی این خاصیت تبیین نشده است. ولی اگر قبول کنیم اقتصاد نتیجه تقسیم کار و مبادله است. آنگاه یک واقعیت دیگری که خارج از افراد است، به وجود می آید. فضای سومی بین افراد مبادله گر شکل می گیرد. این فضا می تواند از مفاهیم خاص یعنی مفاهیم اجتماع برخوردار باشد که تمامی افراد یک گروه بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. ارزش یک مفهوم اجتماعی است. کالاها بر اساس یک معیار اجتماعی محاسبه و مقایسه می شوند. برای مبادلات نیاز به یک وسیله مورد توافق همه برای نمایندگی ارزش های یکسان، مورد نیاز خواهد بود. توافق اجتماعی بر یک شی که ارزش اقتصادی کالاها را بتواند محاسبه کند، ضرورت اجتناب ناپذیر اقتصاد مبادله ای است. لازمه این کار این است که خود آن شی قابلیت حمل ارزش اقتصادی را داشته باشد تا بتواند در محاسبه ارزش کالاها مورد استفاده قرار گیرد. البته این حمل چون از جنس غیرمادی است مثل رنگ، یک شی قابل تصور نیست. زیمل (۱۹۰۷) معتقد است که «حقیقت و ارزش دو زبان متفاوت است که منطقاً توسط مضامین و محتواها به هم مرتبط شده دنیا که در حوزه خود معتبر هستند در یک روح واحد مفهوم پذیر می شوند». این دو نوع تألیف از طریق درک و ارزش گذاری ممکن

است کم و بیش در یک وحدت متافیزیکی با یکدیگر آورده شود. واقعیت و ارزش دو زبان جداگانه هستند که از لحاظ منطقی مفاهیم را در جهان به هم مربوط می‌کنند. به این ترتیب ارزش مثل رنگ و حرارت به اشیا الصاق نمی‌شود که برای همه افراد از یک درجه برابری برخوردار باشد. در رابطه با شی، هر دو نظم واقعی و ارزش کاملاً جدا و مستقل از هم هستند.

پول ارزش اقتصادی یا مبادله‌ای را با خود حمل می‌کند، لذا هم از قدرت خرید برخوردار است و هم وسیله مبادله و هم وسیله پرداخت است؛ چنین ماهیتی به پول اجازه می‌دهد که کارکردهای متفاوتی داشته باشد. از طرف دیگر کلیه فعالیت‌های دنیای مالی و پولی را که به موازات دنیای واقعی کالاها و خدمات وجود دارد، انجام می‌دهد. اگر فعالیت‌های پولی و مالی از قبیل پس‌انداز و دارایی، اعتبار، سرمایه مالی، درآمد، مخارج، مالیات و یارانه از مهم‌ترین آن‌ها باشد، هر کدام از این فعالیت‌ها دربرگیرنده مقداری ارزش اقتصادی است. چون پول حامل ارزش است، پس پول قادر است که تمامی این فعالیت‌ها را به نیابت از آن‌ها یا با حمل کردن آن‌ها در شکل پول انجام دهد. در این صورت دیگر پول به‌عنوان پول مطرح نیست، بلکه پول حامل این موضوعات است. بنابراین پول حامل متغیرهای پولی است (رضایی، ۲۰۱۴). هر متغیر پولی از قبیل دارایی یا اعتبار یا درآمد که بیانگر ارزش اسمی باشند، به شکل پول درمی‌آیند. هر متغیر پولی در شکل خاصی مثل سرمایه یا اعتبار دارای نقشی است. بنابراین، پولی مستقل از متغیرهای پولی وجود ندارد که نقش مجزایی از یکی از متغیرهای پولی را برعهده داشته باشد. لذا پول در نقش هر کدام از متغیرهای پولی نقشی را برعهده دارد. در یک شکل نقش قدرت خرید دارد و در شکل دیگر، نقش ذخیره ارزش و در نقش سوم به‌عنوان تسهیل‌کننده تولید و تقسیم‌کار عمل می‌کند.

۲-۳. منشأ پول

ارزشی که پول حمل می‌کند یک قضاوت و باور اجتماعی است؛ ولی باوری که در واقع به کار گرفته می‌شود. بنابراین، هم عینیت و هم ذهنیت اجتماعی در نسبت دادن این ارزش به پول مؤثر است. بازار جایی است که عینیت ارزش‌ها را منعکس

می‌کند و از سوی دیگر نماینده‌ای از طرف جامعه لازم است که بر این ارزش مهر تأیید بزند؛ این نماینده همان دولت است. بنابراین منشأ ارزشی که پول حمل می‌کند، هم از بازار است و هم از سوی دولت است. ارزش واقعی در بازار شکل می‌گیرد و توسط دولت (بانک مرکزی) تأیید می‌شود. کالاهای خاصی که در ارزش‌گذاری و در هزینه‌های مبادله‌ای مناسب‌تر باشد، به‌عنوان پول انتخاب می‌شوند. از آنجایی که پول یک پدیده اجتماعی است و باید مورد اعتماد جامعه قرار گیرد، باید توسط یک مقام تأیید شود. پول می‌تواند توسط دولت تعیین شود، ولی توسط بازار تعیین ارزش واقعی صورت می‌گیرد. در حقیقت دولت و بازار هر دو در تعیین ارزش پول مؤثر هستند. بازار بخشی از فرایند اقتصادی است (رضایی، ۲۰۱۴ ب) که ارزش اضافی و منفعت را از طریق پول بالفعل می‌سازد یا به تعبیر دیگر، ارزش را بر پول بار می‌گذارد؛ البته پول هم کالاها را در بازار ارزش‌گذاری می‌کند. به همین دلیل پول اولیه‌ای که در دست مردم می‌چرخد و خود موجب پول‌سازی مجدد می‌شود، توسط دولت تأیید می‌شود؛ یعنی بانک مرکزی آن را می‌سازد، ولی در بازار به چرخش درمی‌آید یا در بازار شکل می‌گیرد و به تأیید دولت می‌رسد و مجدداً در بازار به چرخش درمی‌آید. لذا منشأ پول دوطرفه است. اگر از بازار شروع شود باید به تأیید دولت برسد و اگر از دولت شروع شود، باید در بازار به محک ارزش زده شود، بنابراین پول‌سازی یک فرایندی از بازار تا دولت را شامل می‌شود. این فرایند موجب می‌شود که خلق پول یک مجموعه سه مرحله‌ای را طی کند. در هر مرحله پولی با یک ماهیت جداگانه‌ای شکل می‌گیرد که با مرحله و پول بعدی مرتبط است. به همین دلیل پولی را که دولت منتشر می‌کند تا پولی که در بازار به چرخش درمی‌آید، متفاوت خواهد بود. واسطه بین این دو پول، پول درون‌زا است که در بازارهای پولی و مالی به وجود می‌آید. بنابراین، ما از چند نوع پول در جامعه برخوردار هستیم که هر کدام دارای ماهیتی جداگانه و کارکردهای جداگانه است.

۲-۴. ماهیت‌های پول و بازارهای آن

پول با سه ماهیت در اقتصاد ظاهر می‌شود:

۱. پول دولتی که توسط بانک مرکزی تولید می‌شود و شامل سکه و اسکناس است که در دست اشخاص یا در بانک‌ها و واسطه‌گران مالی نگهداری می‌شود. این پول تعهد بانک مرکزی به دارنده آن محسوب می‌شود، این پول را پول دولتی می‌نامیم. این پول وسیله تولید دو نوع پول دیگر است.

۲. پول درون‌زا که در اثر پس‌انداز و اعتبار به وجود می‌آید. این پول در نظریه عمومی پول کاملاً توضیح داده شده است (رضایی، ۲۰۱۴).

۳. پول در شکل درآمد و مخارج اسمی شامل تمام دریافتی‌های ناشی از عرضه عوامل تولید یا مخارج روی کالاها و خدمات می‌شود و به آن پول مبادلاتی گفته می‌شود. پول‌های درون‌زا که وارد بازارهای حقیقی می‌شوند، تبدیل به پول مبادلاتی می‌شوند. شاید منظور کینز از پول حسابداری همین پول بوده است. بنابراین پول یک ماهیت واحد ندارد، آن‌چنان‌که نیل (۱۹۷۶) معتقد است: «بهر است به‌جای پول به پول‌ها فکر کنیم، زیرا که روابط اجتماعی در جامعه بسیار تفاوت می‌کنند». بازار مستقلی برای پول به‌عنوان پول وجود ندارد، بلکه برای هر نوع پولی بازارهای خاص آن وجود دارد.

۳. انواع پول و کارکردهای آن

اگر اقتصاد بشر معیشتی می‌ماند که هر کسی برای خودش تولید می‌کرد، پول به وجود نمی‌آمد. در اقتصاد مبادله‌ای چون بشر برای دیگری فعالیت می‌کند، لذا فعالیت‌ها از هم‌زمانی خارج می‌شوند. از طرف دیگر، هزینه‌های مبادله نیز از دغدغه‌های او خواهد شد. در اقتصاد مبادله‌ای سه نوع نیاز به پول به وجود آمده است:

۱. نیاز به مبادله کالاها و خدمات توسط وسیله‌ای که هزینه مبادله را کاهش دهد. پول به دلیل ویژگی‌های خاص خود این نقش را برعهده می‌گیرد.

۲. افراد برای تصمیم‌گیری‌های خود نیازمند مقایسه‌پذیری و محاسبه اقدامات خویش هستند. در اقتصاد مبادله‌ای چون افراد برای یکدیگر کار می‌کنند، لذا آنچه به دست می‌آورند، باید بیشتر از آنچه از دست می‌دهند، باشد. در این صورت در زندگی مبادله‌ای نسبت به زندگی معیشتی منافع بیشتری کسب می‌کنند، یعنی

از یک طرف هزینه‌هایی را انجام می‌دهد تا کالایی را به دست آورد و در مبادله آن کالا با دیگران منافع بیشتر از هزینه را کسب کند. لذا وسیله‌ای مورد نیاز آن‌ها است که این موقعیت‌ها را بسنجد و با یکدیگر مقایسه کند. بنابراین پول وسیله سنجش و حسابداری است.

۳. از آنجایی که اقدامات انسان‌ها در اقتصاد مبادله‌ای هم‌زمان صورت نمی‌گیرد، لذا مخارج، درآمد، هزینه‌ها و منافع باید توسط ابزاری که نمایندگی این نوع نتایج را داشته باشد، قابل نمایندگی باشد. لذا پول در شکل متغیرهای پولی، نمایندگی فعالیت‌های پولی را برعهده می‌گیرد.

بنابراین اقتصاد مبادله‌ای نیازهایی را به وجود می‌آورد که پول برای رفع این نیازها به وجود می‌آید. پول از یک طرف وظیفه مبادله را برعهده می‌گیرد و از طرف دیگر وظیفه ذخیره ارزش و وظیفه پرداخت را انجام می‌دهد؛ در حقیقت اقتصاد مبادله‌ای بدون پول شکل نمی‌گیرد. عدم هم‌زمانی فعالیت‌ها و ضرورت کاهش هزینه مبادله ایجاب می‌کند که وسیله‌ای به نام پول به وجود آید تا اقتصاد مبادله‌ای را شکل دهد. بنابراین علت منشأ پول، اقتصاد مبادلاتی و نیازهای آن است.

۳-۱. پول‌های سه‌گانه: دولتی، درون‌زا و پول مبادلاتی

همان‌طور که گفته شد پول دولتی، پولی است که توسط دولت منتشر می‌شود. ولی تا این پول درون‌زا نشود به صورت پول مبادلاتی در نمی‌آید و در دسترس مردم قرار نمی‌گیرد. پول درون‌زا پولی است که در اثر کارکردهای ذخیره ارزش و وسیله پرداخت به وجود می‌آید، یعنی در اثر عدم هم‌زمانی فعالیت‌ها در یک موقعیتی نیاز به ذخیره ارزش پیش می‌آید و در موقعیت دیگری، نیاز به قرض شکل می‌گیرد. برآیند این کارکردها به تولید پول درون‌زا منجر می‌شود (رضایی، ۲۰۱۴). ولی این پول از همان پول دولتی شکل می‌گیرد؛ یعنی پولی را که دولت منتشر می‌کند در اثر ضریب فزاینده و یا ضریب بهره‌وری به پول درون‌زا تبدیل می‌شود. این رویداد در بازارهای پولی و مالی شکل می‌گیرد که منجر به خلق پول درون‌زا می‌شوند. سپس پول درون‌زا در دسترس مردم قرار می‌گیرد و در مبادلات به کار می‌رود. پول درون‌زا در اثر سرعت پول به پول مبادلاتی تبدیل می‌شود. پول دولتی در بازار

بین بانک مرکزی و دیگران تشکیل می‌شود. بانک مرکزی با دادوستد پایه پولی با بانک‌ها یا در بازارهای مالی و پولی، پایه پولی را منتشر و عرضه می‌کند. نرخ بهره آن توسط سیاست پولی تعیین می‌شود. پول دولتی در بازارهای پولی و توسط نهادهای پولی، مالی و خانوارها در شکل سپرده و اعتبار به پول درون‌زا تبدیل می‌شوند.

بازار پول مبادلاتی همان بازارهای حقیقی هستند که به تعبیر کلاور^۱ (۱۹۹۴) کالا پول می‌خرد و پول کالا می‌خرد. پول درون‌زا از طریق سرعت پول در بازارهای حقیقی به صورت درآمد، مخارج اسمی و پولی تبدیل به پول درآمدی می‌شود. پول مبادلاتی ارزش پولی کالاها و خدمات در طی یک دوره اقتصادی است و برابر پول‌های مبادله‌شده در بازارهای حقیقی است. ممکن است یک پول درون‌زا در طول یک دوره اقتصادی چند بار به خلق پول درآمدی منجر شده باشد. بنابراین پولی که در جامعه به چرخش درمی‌آید، ضمن آنکه پول دولتی است، ولی بخشی از پول درون‌زا و بخشی از پول درآمدی هم است. به تعبیر دیگر، آن پول مراحل خلق پول‌های سه‌گانه را پشت سر گذاشته است.

۴. کارکردهای پول

۴-۱. پول یک شی اقتصادی

برای روشن‌تر کردن روابط این سه نوع پول بهتر است که ما پول را نیز یک شی اقتصادی بدانیم یا می‌توانیم آن را یک کالای اقتصادی در نظر بگیریم. در اقتصاد به هر شی مفید و قابل مبادله‌ای، کالا یا شی اقتصادی گفته می‌شود، لذا مفیدبودن و رغبت داشتن و مبادله‌پذیری ویژگی‌های کالا است، یعنی از یک سو کمیابی و از سوی دیگر مفیدبودن، ویژگی‌های کالا را تشکیل می‌دهد، هر شئی که ویژگی‌های عام بالا را دارا باشد و ضمناً ناظر بر رفع نیاز خاصی از انسان باشد، کالا است.

نیازهای بشر دو نوع هستند، به همین دلیل دو نوع فعالیت در اقتصاد شکل می‌گیرد. نیازهای بشر به دو گروه رفاهی و اقتصادی تقسیم می‌شود. نیازهای

1. Clower

رفاهی نیازهای جسمی و روانی بشر را مشخص می‌کند و برای رفع آن‌ها نیاز به کالاها و خدماتی است که متناسب با آن نیازها است، نیازهای اقتصادی در اقتصاد مبادله‌ای به وجود می‌آید که ناظر بر محاسبه‌گری و مقایسه‌پذیری و کاهش هزینه مبادله از یک طرف و تشکیل ثروت و همچنین کمک به تقسیم‌کار و تخصیص بهینه عوامل تولید است. مجموعه این نیازهای اقتصادی باعث شده است که پول اختراع شود. بنابراین، اختراع پول برای رفع نیاز اقتصادی است.

پول یا کالای پولی یا شی اقتصادی یک کالای خاصی است که نیازهای اقتصادی انسان را تأمین می‌کند. در اثر ضرورت‌های ناشی از زندگی اجتماعی و مبادله‌ای نیازهای اقتصادی برای بشر به وجود آمد از جمله نیاز به وسیله مبادله و محاسبه ارزش اقتصادی کالاها و خدمات و همچنین ذخیره‌کردن ارزش‌های اقتصادی یا قرض‌گرفتن از دیگران، بشر به خلق کالای خاصی به نام پول روی آورد. کالای پولی قادر است که ارزش‌های اقتصادی را حمل کند و لذا نیازهای اقتصادی بشر را برطرف نماید، بنابراین پول از هر نوع آن یک نوع کالای پولی به حساب می‌آید که به صورت ذاتی یا اعتباری یا الکترونیکی، نیازهای اقتصادی انسان را تأمین می‌کند. به صورت درآمد، دارایی، مخارج، قرض و سرمایه درمی‌آید و هر کدام از این کالاهای پولی دارای حکم خاص خود است؛ برای مثال کالای پولی در حکم قرض و سرمایه دارای احکام خاص خود است.

۴-۲. پول به عنوان ذخیره ارزش

پول به دلیل آن‌که حامل ارزش است می‌تواند به صورت دارایی درآید و تبدیل به ثروت شود. این کار در بازارهای دارایی‌های پولی و مالی صورت می‌گیرد. بخشی از درآمدهای پولی و اسمی جامعه پس‌انداز می‌شود و در بازارهای دارایی تبدیل به دارایی‌های مالی، پولی یا ثروت مالی می‌شود. در اینجا پول در شکل پس‌انداز و دارایی وظیفه ذخیره ارزش را برعهده دارد. از طرف دیگر، دارایی‌های مالی می‌توانند از ذخایر مالی به صورت اعتبار به فعالیت‌های اقتصادی به صورت سرمایه درآید. در این صورت پول باید از خاصیت قدرت خرید برخوردار باشد.

۴-۳. پول به عنوان وسیله پرداخت

پول به عنوان وسیله پرداخت به دولت یا بابت بدهی‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقیقت تأیید دولت در تولید پول به آن خاصیت وسیله پرداخت می‌بخشد و به همین دلیل می‌توان پول دولتی را وسیله پرداخت در نظر گرفت. بانک‌ها و اشخاص برای دادن مالیات یا بابت بدهی، نیاز به ابزاری دارند که مورد قبول و اعتماد باشد. پولی که مورد تأیید دولت باشد یا توسط دولت منتشر شود، برای پرداخت به کار گرفته می‌شود.

۴-۴. ابزار پولی

ابزار پولی در طول تاریخ به شدت تغییر کرده است. از پست‌ترین کالا تا گران‌ترین کالا نقش پول را پذیرا شده‌اند. امروزه که پول‌های الکترونیکی باب شده است، ارزان‌تر از پول‌های کاغذی مبادلات را انجام می‌دهند. ولی تمامی ابزار پولی از ماهیت‌های مختلف پولی و کارکردهای آن می‌توانند کم‌وبیش برخوردار باشند. پول‌هایی که بتوانند به صورت درون‌زا و مبادلاتی درآیند، بیشترین کارکرد را خواهند داشت و پول‌هایی که در یکی از وظایف پول محدودیت پیدا کنند، از قابلیت پولی کمتری برخوردار هستند. لذا پول‌های فلزی بیش از پول‌های کاغذی و آن‌هم به نوبه خود بیش از پول‌های الکترونیکی از قابلیت پولی برخوردار هستند.

۴-۵. ارزش پول

ارزش پول از یک طرف در بازارهای واقعی تعیین می‌شود که عکس قیمت‌ها ارزش هر واحد پول را مشخص می‌کند. از یک طرف در بازارهای پولی و مالی توسط نرخ بهره مشخص می‌شود و از سویی در مقابل پول‌های خارجی و توسط نرخ مبادله خارجی تعیین می‌گردد. بنابراین هر پولی از پول‌های سه‌گانه دارای قیمتی است، ولی به دلیل ارتباط همه بازارهای پولی با یکدیگر قیمت هر متغیر پولی مثلاً قیمت قرض از سایر قیمت‌های دیگر مثل قیمت پول مبادلاتی یا سطح عمومی قیمت‌ها متأثر می‌شود. به همین دلیل روابطی مانند معادله فیشر می‌تواند ارتباط بین ارزش‌های پول‌های مختلف را نشان دهد.

نتیجه‌گیری

ماهیت پول و منشأ تولید آن و کارکردهای پولی برای فهم اقتصاد پولی و مبادله‌ای که در جوامع بشری به یک فضای مسلطی تبدیل شده است، امری ضروری است. پول در اثر یک فرایند پولی دوطرفه و توسط بازار و دولت به وجود می‌آید. پول حامل ارزش است؛ لذا این حاملگی در بازار شکل می‌گیرد و زیانده می‌شود، ولی دایه این زایش، دولت و مقام پولی است که بتواند نمایندگی جامعه را برعهده بگیرد. اعتماد مردم به پول لازمه پذیرش آن است و قدرت خرید آن در بازار تعیین می‌شود. چون پول حامل ارزش است، کلیه متغیرهای اقتصادی که دارای ارزش هستند می‌توانند توسط پول حمل شوند یا نمایندگی گردند.

- Clower, R. W. (1986). *Money and Markets: Essays* by Robert W. Clower, edited by Donald A. Walker, CUP Archive.
- Clower, R. W. (1994). "Economics as an inductive science", *Southern Economic Journal*, Vol.60, No.4, 805-814.
- Goodhart, Charles A. E. (1998). "The Two Concepts of Money: implications for the analysis of optimal currency areas", *European Journal of Political Economy*, Vol.14, No.3, 407-432.
- Ingham, G. (2004) "The Nature of Money", *Economic sociology: European Electronic Newsletter*, Vol.5, No.2, 18-28.
- Ingham, G. (2006). "Further reflections on the ontology of money: responses to Lapavistas and Dodd", *Economy and Society*, Vol.35, No.2, 259-278.
- Kaldor, N. (1975), "What is wrong with economic theory", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol.89, No.3, 347-357.
- Keynes, J. M. (2013), *The Collected Writings of John Maynard Keynes* (Vol.14), *The General Theory and After; Part 2: Defence and Development*, Cambridge University Press for the Royal Economic Society.
- Knapp, G.F. (1924), *The State Theory of Money*, McMaster University Archive for the History of Economic Thought.
- Lerner, A. P. (1947), "Money as a Creature of the State", *The American Economic Review*, Vol.37, No.2, 312-317.
- Menger. K. (1994), "Principles of economics by the (Institute for Humane Studies Series in Economic Theory)", Published by Libertarian.
- Mill, J. S. (1885), *The Principles of Political Economy*, Vol.2, Batoche Books.
- Moini, M. (2001), "Toward a General Theory of Credit and Money", *The Review of Austrian Economics*, Vol.14, No.4, 267-317.

- Neale, Walter C. (1976). *Monies in Societies*, Chandler & Sharp Pub.
- Nell, E. J. (1996), “Transformational Growth and the Long-Period Method”, *Review of Political Economy*, Vol.8, No.4, 379–401.
- Rezaee, M. (2014), “The general theory of money”, working paper.
- Simmel, G. (2004), *The Philosophy of Money*, Routledge.
- Thornton, D. L. (2000), “Money in a Theory of Exchange”, *Economic Research*, Vol.82, No.1, 35-62.
- Von Mises, L. & Batson, H. E. (1953), “The Theory of Money and Credit”, Vol.2, New Haven: Yale University Press.
- Woodford, M. (1999), “Revolution and Evolution in Twentieth-Century Macroeconomics”, In presentado en la Conferencia Frontiers of the Mind in the Twenty-First Century, Washington, Library of Congress, 14-18.
- Woodford, M. (2003), *Interest & Prices, Foundations of a Theory of Monetary Policy*, Princeton University Press.